

## مصابح الظلمات فی تفسیر التورات:

### تفسیری شیعی بر اسفار خمسه\*

حیدر عیوضی\*\*

رسول جعفریان\*\*\*

### چکیده

در کتابخانه آستان قدس رضوی مجموعه‌ای شامل سه نسخه خطی با عنوان «ترجمه تورات» نگهداری می‌شود که تاکنون پژوهشی روی آن‌ها انجام نگرفته و با توجه به افتادگی برگ‌های نخست آن مجموعه، مؤلفش ناشناخته مانده بود. مقدمه جداسده این اثر اخیراً در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم با عنوان مصابح الظلمات فی تفسیر التورات کشف شده است.

در این مقاله برخی از ابعاد ناشناخته مجموعه آستان قدس با تحلیل درون‌متی تبیین شده است. در این بررسی روش شده که مؤلف مجموعه مذکور، عالم شیعی، زین‌العابدین بن محمد است که در کاظمین می‌زیسته و این تفسیر را در فاصله سال‌های ۱۲۲۵-۱۲۲۶ق به درخواست میرزا عیسی قائم مقام (د. ۱۲۳۷ق) از طرف نایب‌السلطنه عباس‌میرزا (د. ۱۲۴۹ق) که به آشنایی با مضامین تورات علاقه‌مند شده بود، نوشته است.

در مقاله حاضر، نویسنده‌گان پس از ارائه ادله‌ای در تأیید پیوند مقدمه کشف شده و مصابح الظلمات و بیان ویژگی‌های این متن، برخی شرایط اجتماعی گذار از ردیه‌نویسی به تفسیر کتاب مقدس را بررسی کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه - تفسیر تورات؛ مصابح الظلمات فی تفسیر التورات؛ زین‌العابدین بن محمد؛

دوره قاجار؛ ردیه‌نویسی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «روش‌شناسی مصابح الظلمات فی تفسیر التورات» در دانشگاه ادیان و مذاهب قم به راهنمایی آقای رسول جعفریان و مشاوره آقایان یونس حمامی لاله‌زار و رضا پورجوادی است.

\*\* دانش‌آموخته دکتری مطالعات تطبیقی ادیان ابراهیمی (نویسنده مسئول) / heidareyvazi@yahoo.com

\*\*\* استاد دانشگاه تهران (گروه تاریخ) / ras.jafarian@gmail.com

## مقدمه

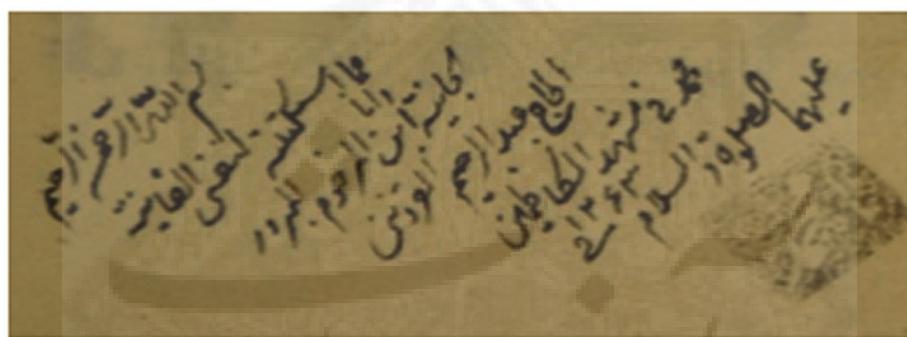
نخستین معرفی نسخه «مصابح الظلمات فی التفسیر التورات» در مقاله‌ای با عنوان «نخستین تلاش‌های شیعی در تفسیر کتاب مقدس» در زمستان ۱۳۹۵ منتشر شد (عیوضی، آلف: ۱۳۹۵-۴۶). در آن زمان تنها منبع نویسنده دیباچه ۵۸ برگی آن تفسیر در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی (ش ۲۰/۱۴۶) در قم بود که پس از چند سال جستجو و نویسیدی از یافتن اصل تفسیر، به معرفی آن مختصر اکتفا شد. اکنون به بخش عمدahای از این تفسیر دست یافته‌ایم.

در کتابخانه آستان قدس رضوی سه نسخه خطی به شماره‌های ۵۰، ۵۱ و ۵۲ ذیل عنوان «ترجمة تورات» وجود دارد که در واقع ترجمه - تفسیر اسفار خمسه‌اند و در ادامه خواهیم دید که این‌ها ادامه همان تفسیری هستند که سال‌ها در طلب آن بودیم. این مجموعه از ابتدا چندین برگ افتادگی دارد و از آنجایی که در سراسر آن به نام نویسنده تصریح نشده، هویت آن تا کنون برای پژوهشگران پوشیده مانده بود. برای مثال پیروز سیار، در مقدمه ترجمة عهد عتیق، این مجموعه آستان قدس را کار مشترک عالمان مسلمانان و یهودیان خراسان معرفی کرده است (نک: سیار، ۱۳۹۵/۱: ۵۴).

نویسنده خود را در نسخه دیباچه به اجمال چنین معرفی کرده: «چنین گوید بنده حقیر فقیر و کمترین مسکین مستکین ابن ملا میرزا محمد، زین العابدین عتباتی المسکن والمدفن انشاء الله تع. ...» (گلپایگانی: گ۲ پ).

بر این اساس، مصابح الظلمات در عتبات نوشته شده و عبارت پایانی نشان می‌دهد که وی تمایل جدی برای اقامت دائم در آن‌جا داشته است. عتبات جمع عَتبَه، به مزار امامان شیعه در عراق گفته می‌شود که شهرهای نجف، کربلا، سامرا و کاظمین را در بر می‌گیرد. قرائن موجود در دیباچه چنین می‌نمایند که این تفسیر در کاظمین کتابت شده، چه این‌که یادداشت تملک و نیز تاریخ کتابت نسخه در یک سال و در یک شهر بوده است؛ یعنی به سال ۱۲۶۳ق در کاظمین. و این البته حدود ۴۰ سال پس از تاریخ تألیف آن، یعنی ۱۲۲۶ق، بوده است. در واقع، این مقدمه نویافته رونوشتی از نسخه اصلی و احتمالاً به خط مؤلف بوده که ما هنوز به آن دسترسی نداریم.

با بررسی تراجم و منابع کتاب‌شناسی، این احتمال اولیه مطرح شد که مؤلف از خاندان سلماسی بوده است. خاندان سلماسی به علت هم‌جواری با ارامنه و یهودیان ساکن در منطقه آذربایجان، با اهل کتاب در ارتباط بوده‌اند. اندکی پیش از تألیف مصابح الظلمات (۱۲۲۵-۱۲۲۶ق)، یعنی در ۱۲۲۳ق، محمدباقر سلماسی (د. دهه سوم از سده سیزدهم هجری) نیز به درخواست میرزا عیسی قائم مقام (د. ۱۲۳۷ق/ ۱۸۲۲م) کار ترجمه‌ای انجیل اربعه را به پایان برد بود. بر اساس نسخه کتابخانه مرعشی (ش ۱۳۲۷۶) گویا این ترجمه از سریانی به فارسی صورت گرفته است (ـ سلماسی: گ۳پ؛ گ۱۲پ).



در میان فرزندان و نوادگان سلماسی، با زین‌العابدین بن میرزا محمد بن محمدباقر سلماسی مواجه می‌شویم. میرزا محمد، پدر زین‌العابدین، ظاهراً نخستین کسی است که از این خاندان سلماسی به عراق مهاجرت کرده و با حمایت خوانین آذربایجان در آبادانی شهر سامر، کاظمین و حرم امامان فعالیت گسترده داشته است (الأمين، ۱۹۸۳: ۹/۱۸۷). او سال‌ها امام جماعت حرم کاظمین بوده و مطابق گزارش صاحب اعیان الشیعه، چند نسل از نوادگان او، تا ابراهیم بن اسماعیل بن زین‌العابدین بن میرزا محمد (۱۲۷۲-۱۳۴۲ق) نیز همان‌جا امام جماعت بوده و در نهایت همه ایشان در همان حرم کاظمین به خاک سپرده شده‌اند (همان: ۲/۱۱؛ سبحانی، ۱۴۲۴: ۸/۱۴). حال معلوم نیست که آیا این زین‌العابدین بن میرزا محمد بن محمدباقر سلماسی (د. ۱۲۶۶ق، نک: آقابزرگ، ۰۰۲: ۱۱/۵۹۵) که به کاظمین مهاجرت کرده، همان زین‌العابدین بن میرزا محمد (د. ؟) مؤلف مصابح الظلمات است یا نه.

منابع موجود در شرح حال زین‌العابدین سلماسی بیشتر جنبه زهد و حالات معنوی او را گزارش کرده‌اند. وی از شاگردان و اصحاب خاص سیدمهدی بحرالعلوم (د. ۱۲۱۲ق) بوده و بیشتر کرامات بحرالعلوم از طریق وی نقل شده است (نک: حزالدین، ۱۴۰۵: ۳۲۸/۱). آقابزرگ تهرانی نیز تنها به مقام معنوی او و این‌که از خاندان اهل علم بوده اکتفا کرده است (نک: آقابزرگ، ۹: ۲۰۰۹؛ ۵۹۵/۱۱). از همه مهم‌تر آن‌که در تراجم مربوط به علمای کاظمین آمده است که زین‌العابدین سلماسی پس از وفات پدر، راه او را در بازسازی حرم عسکریین و کاظمین و دیوار اطراف شهر سامراء ادامه داد و البته از طرف فقیه عصر خود، سیدابراهیم قزوینی (د. ۱۲۶۴ق)، صاحب ضوابط الأصول برای اتمام اقدامات مذکور منصوب شده بود (نک: علوی، ۱۴۱۹: ۱۸۷).<sup>۱</sup> حبیب‌آبادی سال درگذشت او را مجھول دانسته و گفته است که به‌واسطه زهدی که داشت جنبه فقاوتی پیدا نکرد (حبیب‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴۲۴/۲).

به همین ترتیب محدث نوری در دو کتاب خود روایاتی از مکاشفات معنوی زین‌العابدین سلماسی نقل می‌کند و در توصیف او تنها به این مقدار بسنده می‌کند که او صاحب سرّ بحرالعلوم و متولی بناء قلعه و دیوار شهر سامراء بوده است (محدث نوری، ۷۶-۷۲: ۲۰۰۷؛ ۲۳۱/۲: ۴۸۰-۴۳۹/۴؛ همو، ۱۴۱۵: ۲۸۳/۲، حکایات؛ همان: ۲۹۲/۲، حکایت ۸۰). تاریخ وفات سلماسی را برخی منابع شب یازدهم ذی‌الحجه ۱۲۶۶ در کاظمین ثبت کرده‌اند و این‌که در مقابل قبر شیخ مفید مدفون گردیده است (الأمين، ۱۹۸۳: ۱۸۷/۹؛ علوی، ۱۴۱۹: ۱۸۸).

همان‌طور که ملاحظه شد، در هیچ یک از این تراجم، سخنی از کار عظیم او در تفسیر تورات به میان نیامده است. اگر ترجمه اناجیل اثر پدر بزرگ مؤلف بوده باشد – که تنها دو سال قبل تر اثر خودش تألیف شده – او حتماً در دیباچه تفسیر به این پیشینه فامیلی اشاره می‌کرد و از انتساب خود به این خاندان سخن به میان می‌آورد. همچنین باید در نظر داشت

---

۱. «وَفَقَ اللَّهُ وَاللَّهُ لِتَعْمِيرِ قَبْرِ الْعَسْكَرِيِّينَ وَرَوَاقِهِمَا وَقَبْرِ السَّرِّدَابِ الْمَقْدَسِ وَصَحْنِهِ وَغَيْرِ ذَلِكَ، وَوَفَقَ صَاحِبُ التَّرْجِمَةِ أَيْضًا بِنَاءِ سُورِ سَامِرَاءِ بِأَمْرِ الْعَالَمَةِ السَّيِّدِ إِبْرَاهِيمَ الْقَزوِينِيِّ» (علوی، ۱۴۱۹: ۱۸۷).

که زین العابدین سلماسی در سال ۱۲۶۶ق درگذشته است، یعنی حدود ۴۰ سال پس از نگارش مصباح الظلمات، حال آن که مؤلف مصباح در دیباچه به ضعف و ناتوانی خود که بیشتر اوقات داشته اشاره کرده (گلپایگانی: گ۹پ) و به همین دلیل در پاسخ به درخواست میرزا عیسی قائم مقام برای نگارش این تفسیر، خود را معذور می‌دارد و در نهایت با اصرار وی می‌پذیرد و به همین دلیل بعيد می‌نماید که ۴۰ سال بعد از آن هم در قید حیات بوده باشد. به علاوه، سبک نگارش و ویژگی‌های زبانی مصباح الظلمات با دیباچه ترجمه‌ای انجیل سلماسی بسیار متفاوت است و نشانی حاکی از امکان نسبت خانوادگی میان این دو یافت نشد.

از تراجم موجود سندی دال بر انطباق زین العابدین سلماسی با زین العابدین محمد به دست نیامد و در منابع کتاب‌شناسی نیز از مصباح الظلمات فی تفسیر التورات چیزی نگفته‌اند. به هر روی، موضوع حیات تاریخی مؤلف مصباح الظلمات هنوز برای ما مبهم است و با اتکا به تحلیل متنی و محتوایی این اثر همین‌قدر می‌توان گفت که مؤلف آن یک عالم شیعی (ونه جدید‌الاسلام، نک: ادامه) بوده که شعاع دانش گسترده‌اش از علم قرآن، فقه و حدیث گرفته تا شعر و ادبیات در تفسیر اسفار خمسه بازتابیده است.

### استادان و شاگران

تاکنون هیچ اطلاعی از استادان و شاگردان مؤلف در دست نداریم و در دیباچه اثر نیز توضیحی در این باب نیامده است. از آن‌جایی که مؤلف به علوم دینی اشتغال داشته (گلپایگانی: گ۹ب)، می‌توان احتمال داد که محضر عالمان بزرگ عراق آن عصر همچون شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (د. ۱۲۲۸ق) را درک کرده باشد.

### توانایی‌های زبانی

هرچند اصل تفسیر مورد بحث به فارسی نوشته شده، اما مؤلف آن با زبان‌های ترکی، عربی و عبری نیز آشنایی نسبتاً خوبی داشته است. البته راجع به زبان ترکی باید گفت که او اصالتأً

ترکزبان بوده (نک: ادامه مقاله «ادبیات و اسلوب نگارش») و عربی رانیز در مدت اقامت در عراق به خوبی فراگرفته بود. در مورد زبان عبری نیز خود مؤلف در دیباچه می‌گوید که از آنجایی که در کنار تحصیل علوم دینی به علوم غریبه و رموز تورات علاقه‌مند بوده، به فراگیری این زبان روی آورده است (گلپایگانی: گ۹۶پ).

### منظره با یهودیان

از دیباچه موجود بر می‌آید که نویسنده با یهودیان بغداد گفت‌وگوی علمی داشته است: خود این جانی، در عین هوس و بحبوحة جوانی، بعضی را با رموزات درک کرده و بعضی دیگر را در عالم سیاحت از اخبار و علماء یهود بغداد و سایر اقطار استعلام کرده و همه آنها زبان اعتراف «فَاعْتَرَفُوا» [ملک/۱۱] به معرض بیان آورده، مذعن و مقرّ ما قال کمترین شده «فَبَهِتَ الَّذِي كَفَرَ» [بقره/۲۵۸] در جواب عاجز صمّ بکم گشتند (گلپایگانی: گ۳۲ار).

چنین می‌نماید که برخی از استنادات او در این تفسیر مبتنی بر مطالب شفاہی بوده که در خلال گفت‌وگو با عالمان یهودی داشته است (نک: ادامه مقاله).

### آشنایی نویسنده با برخی رسومات کردهای عراق

زین‌العابدین بن محمد به تناسب بحث در مواردی به برخی رسومات اجتماعی در عراق نیز اشاره می‌کند که حکایت از آشنایی دیرین او با مردمان این منطقه دارد. به‌طور مثال، در تفسیر سفر لاویان، در اواسط باب ۱۹ که متن ضمن احکام مختلف است، ذیل توضیح «و هیچ نشان بر بدن خود داغ نکنید» (۲۸:۱۹) می‌گوید: «و بُوش به گوشت و جان خودتان ندهید و خال کنده به بدن و بشّره شماها نکنید که الحال در میان اکراد و در بین اعراب معمول و به دقت موسوم و مشهور است» (ش:۵۲؛ گ۹۲پ).

در ادامه، پس از ارائه شواهد پیوند مجموعه آستان قدس و دیباچه کتابخانه گلپایگانی، برخی ویژگی‌های مصباح الظلمات فی تفسیر التورات را بر می‌شماریم و سپس به شرایط اجتماعی آذربایجان در گذار از ردیه نویسی به تفسیر تورات خواهیم پرداخت.

### ۱. شواهد پیوند مجموعه آستان قدس و مصابح الظلمات

مشخصات نسخه‌شناختی دیباچه در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم چنین است: عنوان: *مصابح الظلمات فی تفسیر التورات*; شماره نسخه در فهرست: ۱۳۷۰۲۰ و شماره نسخه در قفسه: ۴۰۲۶-۱۴۶-۲۰؛ آغاز: «الحمد لله الذى يدرك الأ بصار ولا تدركه و كان منها خفيا...»؛ انجام: «مأمول این مذنب شرمسار از عنایت حضرت آفریدگار... تا آنکه شروع کنم در مقصود، متوكلاً على الله المعبود، فإنه خير شاهد و مشهود، سنة ۱۲۲۶»؛ مُهدي‌الیه: فتحعلی شاه قاجار و فرزندش عباس‌میرزا؛ کاتب: حسین بن محمد‌حسن‌الاصفهانی؛ تملک: در برگ اول یاداشت تملک محمد بن حاج عبدالرحیم قزوینی به تاریخ ۱۲۶۳ق در کاظمین و مُهر مریع «یا محمد» و مهر بیضوی «علی نقی بن محمد» دیده می‌شود. ۵۸ برگ، ۱۴ سطر، ۲۰×۱۵ س (صداری خویی و حافظیان، ۱۳۸۸: ۷-۱).<sup>۱</sup>

اما عنوان مجموعه سه‌جلدی آستان قدس رضوی «ترجمه تورات» (به شماره‌های ۵۰ و ۵۲) است. نسخه شماره ۵۰ این مجموعه شامل ترجمه و تفسیر سفر پیدایش است. همان‌گونه که گفته آمد نسخه ناقص‌الابتداست و از باب دوم آیه ۹ شروع می‌شود. نسخه شماره ۵۲، از ابتدای سفر لاویان تا پایان این سفر و از اول سفر اعداد تا باب هجدهم، و نسخه شماره ۵۱، از باب ۱۹ سفر اعداد تا پایان سفر تثنیه، را در بر می‌گیرند. بنابراین، این مجموعه شامل چهار سفر پیدایش، لاویان، اعداد و تثنیه و فاقد سفر خروج است (هرچند فهرست‌نگار پنداشته که نسخه شماره ۵۰ متن‌من در سفر پیدایش و خروج است). از سوی دیگر، با توضیح پیش‌گفته، آشکار شد که در شماره‌گذاری این دو نسخه (یعنی نسخه‌های شماره ۵۱ و ۵۲)، جابجایی صورت گرفته است؛ یعنی به لحاظ محتوا، ترتیب مجموعه به این شکل است: ۵۰، ۵۲ و ۵۱. این مجموعه جزء موقوفات بانو تاج ماهبیگم (د. ۱۲۸۲ق) دختر میرزا عیسی قائم مقام می‌باشد.

۱. نسخه ناقص دیگری از این دیباچه در کتابخانه گلپایگانی وجود دارد که مشخصات آن چنین است: ۲۳ برگ، ۱۷ سطر، ۲۱×۱۵ س، شماره نسخه در فهرست: ۱۳۷۰۳؛ شماره نگهداری نسخه: ۲۳/۸۹۴۵۶۹/۱.

اما کاتب این مجموعه غیر از کاتب دیباچه است. نام وی محمدحسین الخویی (الشہیر بالکاتب) می باشد که تنها در انتهای نسخه شماره ۵۱ ثبت شده است و چنین می نماید که آن دو دیگر نیز به خط اوست و تاریخ کتابت آن ها سال ۱۲۲۶ق می باشد. از آن جایی که در این مقاله تمرکز اصلی بر نسخه شماره ۵۰ (سفر پیدایش) است، به مشخصات نسخه شناختی این نسخه بسنده می کنیم: نسخه ناقص الابتداء، شروع از باب دوم سفر پیدایش از وسط آیه ۹؛ آغاز: «الممال وعاص هَحِيمَ بِتُوحَ هَكَانَ وَعَصَ هَدْعَتَ/ بِخُورَدَنَ وَدرْخَتَ حَيَاةَ بَهْ مِيَانَ بَاغَ وَدرْخَتَ گَدْمَ»؛ انجام: «وَبِرَادِهَائِ اوَتَدارِكَ اوَرَادِهَ اوَرَابَهْ مِيَانَ صَنْدوقَ گَذَاشْتَنَدَ بَهْ مَصْرَنَهَادَنَدَ» [پایان سفر پیدایش]؛ سال وقف: ۱۲۶۲ق، گ=۱۹۳۰س؛ یاداشت انتهایی به همراه مهر: شب یکشنبه نهم شهر شعبان المعتظم سنّه ۱۲۹۷ق.

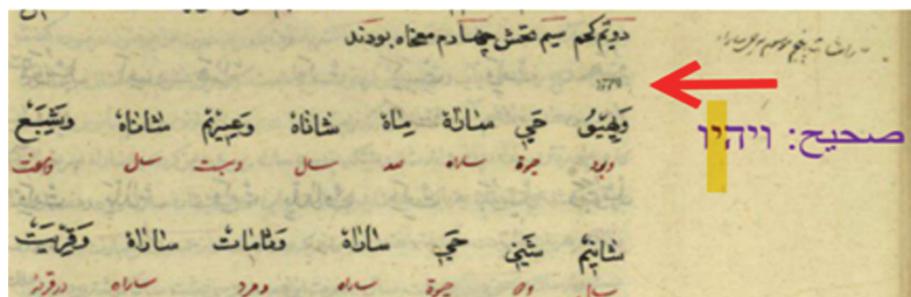
از جمله شواهد دال بر پیوند این دو مجموعه و یکی بودن مؤلف آن ها می توان موارد زیر را بر شمرد:

۱.۱. معرفی ویژگی های مجموعه آستان قدس در نسخه دیباچه: در دیباچه، نویسنده جزئیات تفسیر را چنین معرفی می کند:

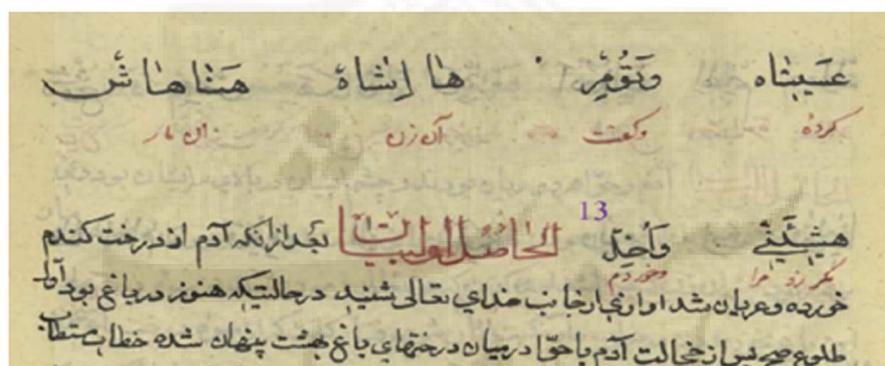
الف) به جهت تسهیل مطالعه تفسیر برای عامه، عبارات تورات به سه سطر خواهد بود: متن عبری به خط عبری، آوانگاری به خط عربی، ترجمة واژه به واژه به فارسی.

ب) پس از ترجمة چند بند، خلاصه آن با بیانی روان و شیوا در ذیل عنوان الحاصل والبيان بازنویسی خواهد شد (گلپایگانی: گ ۱۰-۱۰پ).

مجموعه آستان قدس کاملاً مطابق این شیوه نامه است؛ جز آن که، چون کاتب آن محمدحسین الخویی نگارش عبری نمی دانسته یک سطر جای خالی گذاشته تا بعداً اضافه شود. از این رو، در میانه نسخه شماره ۵۰ شاهد تلاش کس دیگری (و شاید خود کاتب؟) هستیم که به نگارش متن عبری دست یازیده، اما به جهت سختی کار، تنها به یک کلمه، و آن هم به اشتباه اکتفا کرده است (ش ۵۰: گ ۸۷پ).



نویسنده پس از ترجمه لفظ به لفظ واحدهای موضوعی، با نثری روان و ادبی ذیل عنوان الحاصل والبیان ماحصل متن را بازنویسی می‌کند.



۱. یک معرفی دیگر در دیباچه: گفتیم که نویسنده در معرفی تفسیر تصريح کرده بود که پس از ترجمه، ماحصل متن را در ذیل عنوان الحاصل والبیان بازنویسی خواهد کرد: «ماحصل مدعای را جمع کرده در الحاصل والبیان به کسوت عبارات لطیفه و استعارات زیبا چون جواهر و دُرر در سلک ارتیاط به یکدیگر انتظام دادم که شایقان رموزات و تشنجان آب حیات چشمۀ عبارات آن کلمات را مبهم و مستور نبوده...» (کلپایگانی: گ ۱۰ پ).

او در ادامه می‌گوید برای این‌که آشکار شود نویسنده در بازنویسی این بخش‌ها چه مراتب‌ها کشیده، در انتهای تفسیر، دو نمونه از آن‌ها را بدون عبارت‌پردازی خواهم آورد تا مخاطب دریابد که متن تورات روان و سلیس نیست و بدون کشف معانی فهم آن آسان نمی‌باشد:

واز جهت نمونه بر عدم سلاستی سورات، دو حاصل بیان در آخر سورات بعینها تحتاللفظ من دون کشف نقل نموده گذاشتم تا آنکه بر ناظران با کمال معلوم بوده بیانند

که این کمترین در کشف معانی و تربیط غیرمربوط ترجمه و اخراج ماحصل مدعای چگونه تصدیع و مشقت کشیده تا آنکه مطبوع طبع ارباب فهم و کمال نموده‌ام و بر ناظران این تفسیر و تبیان و بر مطلعان این حاصل بیان مخفی نماند که مبنای اعتماد و تعویل در شروح و تفاسیر بر تفسیر راشی که نام یکی از اجلاء علمای یهود است... (همان: گ ۱۰ پ، ۱۱ ر).

بر همین اساس، در انتهای تفسیر، باب‌های ۳۲ الی ۳۴ از سفر تثنیه که در ضمن دو الحاصل والبيان بازنویسی شدند و بر خلاف سراسر متن که با استفاده از آیات قرآن، شعر و حدیث عبارت‌پردازی کرده بود، بی‌هیچ پردازش خاصی تنها به بازگویی ترجمه متن پرداخته است. او در ابتدای این بخش، که در دیباچه وعده‌اش را داده بود، می‌گوید: «این کلمات مبهمه الدلالات از جمله وصایای حضرت موسی علیه السلام است که بعد از آنکه خالق ارضین استماع کرده در همان‌جا و مکان وحی آسمانها و زمین را شاهد گرفته می‌فرماید...» (ش ۱: گ ۲۵۶ ر).

این دو الحاصل والبيان، با شیوه مرسوم او تا بدین‌جا، به‌کلی متفاوت است و در نهایت ایجاز و تلخیص جمع‌بندی شده است.

۱. ۳. ارجاع به دیباچه در نسخه شماره ۵۰: نویسنده در ذیل تفسیر پیدایش (۱۷: ۱-۲۷) به مصباح الظلامات ارجاع می‌دهد: «و هر کس اثبات سید کاینات و ائمه هدی را بخواهد از این فقرات با تفصیل برسد، رجوع به دیباچه کند که در آن‌جا مفصل‌اً قلمی شد» (گ ۶۰ پ). در معرفی مصباح الظلامات گفته شد که این دیباچه متن‌ضمن دوازده بحث و به تعبیر نویسنده، دوازده مطلب مقدماتی است. مطلب یازدهم (گ ۳۱ پ-۵۴ پ) که تقریباً نصف حجم کل دیباچه را شامل می‌شود به موضوع بشارت عهد عتیق به پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> اختصاص یافته است.

۱. ۴. وعده شروع نگارش ترجمه در پایان دیباچه: در انتهای مقدمه، نویسنده عزم خود به نگارش متن اصلی ترجمه و تفسیر را با این عبارت بیان می‌کند:

تمام شد دوازده مطالب با پنج سفر و پنجاه و چهار پاراشات کتاب تورات و اکنون وقت آن شد که کمیت خوش‌خرا� قلم بر صفحه میادین اوراق جولان داده به ذکر نگارش آن

پردازد. مأمول این مذنب شرمسار از عنایت حضرت آفریدگار آنکه بدرقه توفیق را هم عنان این مسافر زنگبار روم گرداند تا آنکه شروع کنم در مقصود متوكلاً علی الله، المعبود فإنه خیر شاهد و مشهود، سنة ۱۲۲۶ [ق]... التماس دعا دارم (گلپایگانی: گ۵۷ پ، ۵۸ ر).

۱. ۵. ادبیات و اسلوب نگارش هر دو نسخه: اسلوب نگارش، ساختار جملات، و به طور خاص زبان متعارف مشترک در هر دو اثر، حکایت از این دارد که آن دیباجه و مجموعه آستان قدس اثر خامه‌یک نویسنده است. همچنین وجود واژه‌های ترکی فراوان و بعضًا مشترک در هر دو نسخه، نشان می‌دهد نویسنده این مجموعه اصالتاً ترک‌زبان بوده است.

دیباجه (نسخه گلپایگانی)	نسخه‌های ۵۰ و ۵۱ و ۵۲
زبان عرفی مشترک: تعبیر از هارون و اولادش به «سید» (گ۲۶ پ)	هارون، اولاد هارون و کاهنان ← «سید» (ش۵۲: گ۸۰؛ ش۵۱: گ۱۹۵ ر) «سیدهای بنی لوی» (ش۵۱: گ۱۹۵ پ؛ ش۲۴۹ ر)
ترجمه «مردمان اروم» به «فرنگ» (گ۳۳ پ) همین‌طور در هر جا که تورات به مغرب‌زمین اشاره دارد	(ش۵۰: گ۱۱ ر؛ ش۱۷۲ ر؛ ش۱۷۳ ر)
«پیغمبری برپا کنم» به معنای «پیامبری مبعوث کنم» (گ۳۳ ر)	«پیغمبری برپا می‌کنم» (ش۵۱: گ۱۹۴ ر)
«جوقه‌ها» به معنای «اقوام، طوایف» (گ۵۰ ر)	«لشکر بسیار و جوقة بی شمار» (ش۵۱: گ۲۶۲ ب) «جوقة‌ها و طوایف» (ش۵۲: گ۱۳۲ ر)
«پشکش» به جای «پیشکش» (گ۵۶ ر) «پشکش فرستادن یعقوب به برادرش»	«به خدمت سید بیاورد که پشکش است» (ش۵۲: گ۱۶۴ ر، ۱۶۸ ر)
مدح قاجاری: «... از بارگاه گردون اشتباه» (گ۹ پ)	«... ملایک بارگاه کیوان اشتباه» (ش۵۰: گ۷۹ پ)
«پیشمان شده» به جای «پیشیمان شده» (گ۲۰ ر)	«پیشمان های بسیار» (ش۵۰: گ۴۴ ر)

وجود کلمات و اشعار ترکی	
شعر ترکی «آدمیدم بهشت ابدی وطنم / بنکا کندمن اولدی کندمن» (ش ۵۰: گ۸۷ر)	«شیلان» به معنای «مهمانی» (گ ۱۶ پ)
شعر ترکی «فرصتی ترک ایلمز دانا مگر ابله اولا» (ش ۵۰: گ ۱۴۴پ)	«دوازده پیشمار» به جای «پیشمار» (گ ۵۰ پ)

۱. ۶. شاهد برومنتنی: نسخهٔ مصباح الظلمات به سفارش مجده‌انهٔ میرزا عیسیٰ قائم مقام بود و مجموعهٔ آستان قدس نیز جزء موقوفات تاج ماهیگم، دختر میرزا عیسیٰ، است و می‌توان نتیجه گرفت که نسخه‌ای از آن در این خانواده نگهداری می‌شده است. اما معلوم نیست که چطور این مجموعه آسیب دیده، مقدمه از متن جدا شده، ابتدای آن ناقص شده، سفر خروج از آن مفقود گردیده، و انتهای نسخهٔ شماره ۵۰ که احتمالاً متن‌گذاری نام مؤلف بوده به عمد مخدوش شده است.

## ۲. ویژگی‌های مصباح الظلمات فی تفسیر التورات

تفسیر زین‌العابدین بن محمد می‌توانست الگوی جدیدی را در مواجههٔ مسلمانان با کتاب مقدس شکل دهد و زمینه‌ساز تحولاتی در مطالعات تطبیقی بین‌الادیانی باشد. بایسته است که معلوم شود ابتکار عمل نویسنده تحت تأثیر چه عواملی به حاشیه‌رفته و فراموش شده است؛ اکنون، به دلیل فقدان شواهد تاریخی کافی، نمی‌توان به این پرسش پاسخ قاطعی داد. برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد این ترجمه - تفسیر عبارتند از:

۱. آوانگاری فارسی کلمات عبری: در هر سه جلد این مجموعه، در سطر نخست، کلمات تورات با آوانگاری فارسی و با جوهر مشکی نوشته شده و در سطر بعد، ترجمة واژه به واژه، به صورت زیرنویس و با جوهر قرمز متمایز گشته است. این سبک در آشنایی مخاطبان با زبان عبری مفید است. پیش‌تر گفتیم که برای نگارش متن عبری با الفبای عبری نیز جای خالی گذاشته شده که بعداً اضافه شود و این بر اساس همان طرحی است که مؤلف در مقدمه آن را توضیح داده بود. احتمالاً در نسخهٔ به خط مؤلف چنین روایی رعایت

شده، اما کاتب مجموعه آستان قدس، محمدحسین خوبی، به علت ناشایی با خط عبری، با حالی گذاشتن جای یک سطر، نگارش آن را به بعد موکول کرده است.

۲. ارائه تفسیر قرآنی - میدراشی بعد از ترجمه: در نسخه حاضر، به شیوه مرسوم تفسیر متون مقدس، پس از ترجمة تحتاللفظی چند بند، مترجم در ذیل عنوان «الحاصل و البيان» خلاصه آن را با قلمی روان تر بیان کرده است. تقریباً در همه این بخش‌ها استناد به آیات قرآن دیده می‌شود. این استنادات قرآنی گاهی برای تأیید و گاه برای توضیح بیشتر بوده است. مثلاً متن زیر به خوبی نشان می‌دهد که مؤلف در تفسیر سفر پیدایش (۱۵-۱۷:۲) چگونه با تقطیع آیه ۳۵ سوره بقره، از آن برای توضیح متن تورات استفاده کرده است:

حق تعالیٰ آدم عليه السلام را به سرافرازی خلعت (یا آدم اسکن انت و زوجک الجنّة)  
مخلّع فرموده در بهشت برین مکان و سرزمین قرار داد و از ساحت مساحت ضیافت خانه  
«فَكُلَا مِنْهَا حِيْثُ شِئْتُمَا» بهره‌مند نموده بفرموده او که از هر میوه درخت‌های بهشت  
بعنور اما «وَلَا تَقْرِبَا هَذَا الشَّجَرَة» از درخت گندم نخور؛ همان روزی که خوردی مرگ از  
برای تو مقدر می‌شود (کلپایگانی: گ۲).

به همین منوال، نویسنده در تفسیر پیدایش (۱۴-۲۱:۳) به ترتیب از آیات بقره/۳۶، نساء/۳۴ و طه/۵۵ کمک گرفته است (همان: گ۷). این روش تا پایان سفر ادامه دارد. حجم بالای استنادات قرآنی نسخه، به روشنی نشان از سلط مؤلف بر موضوعات و مضامین قرآنی دارد. به علاوه، وی در سراسر نسخه در توضیح و تفسیر برخی عبارات، از تفاسیر و میدراش‌های یهودی استفاده برده است. برای مثال، راجع به ازدواج فرزندان آدم و حوا، به تحلیل ابن میمون<sup>۱</sup> اشاره می‌کند (همان: گ۹b). وی برای بیان مقصود خود به خوبی از ترکیب و تلفیق آیات قرآن و آیات تورات استفاده کرده است و با توجه به استفاده همزمان مترجم از منابع یهودی و اسلامی در توضیح عبارات تورات، می‌توان آن را یک تفسیر قرآنی - میدراشی<sup>۲</sup> بر اسفار خمسه<sup>۳</sup> تلقی کرد.

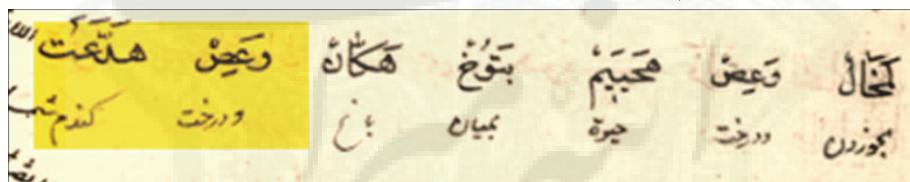
1. Rambam, 1135- 1204

2. Midrashic – Quranic Commentary

3. pentateuch

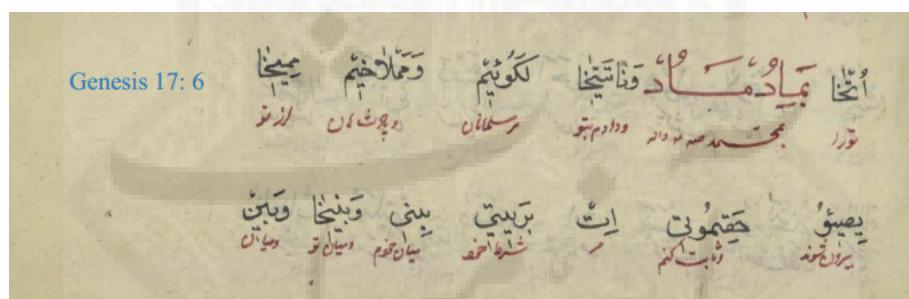
۳. گرایش‌های اسلامی در ترجمه: تقریباً از همان برگ نخست نسخه، گرایش‌های اسلامی در معرفی تورات عبری دیده می‌شود و این رویکرد تا انتها ادامه دارد. این تلاش‌ها هم در بخش معادل‌گذاری تعدادی از واژگان عبری و هم در بخش تفسیر به چشم می‌خورد. از جمله می‌توان به سه نمونه ذیل اشاره کرد:

(الف) ترجمه «درخت معرفت» به گندم: می‌دانیم که تورات عبری به صراحة از درخت معرفت در باغ عدن خبر داده که آدم و حوا مجاز به استفاده از آن نبودند (پیدایش، ۹: ۲). این‌که ماهیت این درخت ممنوعه چه بوده و آراء مفسران در باب استعاره بودن آن چیست، در اینجا مطمح نظر نیست. نیز می‌دانیم که سبب به عنوان نماد این درخت ممنوعه در قلب فرهنگ و ادب یهودی - مسیحی قرار دارد. در مقابل، این درخت ممنوعه که مورد اشاره قرآن نیز بوده (بقره/۳۵)، در ادبیات و متون اسلامی به گندم تفسیر شده است. مؤلف مصباح الظلمات نیز در این تفسیر به عمد، برای معادل عبری **لِلْعَالَّةِ** به معنی «درخت معرفت»، «درخت گندم» قرار داده است (ش: ۵۰: گ۱، ۲۰).



ب) ترجمه «گوئیم» به مسلمانان: واژه **لِلْعَالَّةِ** Goim و در شکل جمع آن به صورت **لَلَّا مِنْ** به معنی «اقوام/ملت‌ها» فراوان در تورات عبری کاربرد دارد و عموماً برای اشاره به اقوام مجاور بنی اسرائیل بوده است. این واژه چهار بار در فصل ۱۷ از سفر پیدایش به کار رفته است. این فصل از دیرباز جزء فقراتی بوده که علمای مسلمان مضامین آن را جزء پیشگویی‌های عهد عتیق درباره ظهور پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> می‌شمردند. از این رو مترجم کتاب، هم در معادل گذاری و هم در تفسیر، واژه «گوئیم» را به «مسلمانان» ترجمه کرده است (همان: ۵۷: ۶۰). این رویکرد مترجم در معادل‌گذاری‌ها، تلقی او از پیوسته بودن ادیان ابراهیمی را نشان می‌دهد و به تعبیری، او قرآن را ادامه تورات و تفسیر آن می‌داند که پیوند ناگسستنی با هم دارند.

ج) ترجمة «بِئْدِمِئْد» به «محمد»<sup>۱</sup>: واژه بِئْمَاءُ ۷ مِمَّا ۶ / bēme'od me'od از دیگر اصطلاحاتی است که مسلمانان همواره، چه در آثار جدلی و چه در منابع تعلیمی، بر تطبیق ابجده آن با نام پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> اصرار داشته‌اند. معنای لغوی این واژه «بسیار/ فراوان/ کثیر» است و در سراسر تورات عبری مکرر به کار رفته است (Gesenius, 1979: 444). اما آنچه مورد استناد مسلمانان بوده، به طور خاص سفر پیدایش (۱۷: ۲ و ۶) می‌باشد که در آن خداوند به ابراهیم<sup>(ع)</sup> چنین وعده می‌دهد: «تورا بارور و کثیر گردانیدم» (۱۷: ۲۰ ← در مورد اسماعیل). از این‌رو، مترجم در مواردی که این واژه در بافت فقرات ناظر به پیشگویی در باب ظهور پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> به کار رفته، آن را به «محمد» ترجمه کرده است؛ همچنان که در تصویر ذیل مشاهده می‌شود (گلپایگانی: گ ۵۰).



۴. استفاده از روایات اسلامی و اشعار ترکی - فارسی: از دیگر ویژگی‌های مهم این نسخه، آشنایی خوب مترجم با روایات اسلامی، ضرب المثل‌های عربی و اشعار فارسی و ترکی است که به تناسب بحث در تفسیر از آن‌ها استفاده می‌کند. هرچند مترجم به گوینده حديث اشاره نمی‌کند، اما بررسی‌های نویسنده‌گان نشان می‌دهد که احادیث منقول در این نسخه، عمدهاً روایات شیعی و به طور خاص از کتاب الکافی نقل شده‌اند (مثال‌نک: گ ۱۰۷؛ ۱۷۴ پ؛ ۱۹۲ پ). مترجم با شعر فارسی دوره میانه نیز به خوبی مأнос بوده و در

۱. این واژه در اصل «مندمند» (بدون «ب») است، اما چون به لحاظ ابجده با نام «محمد» هم خوان نیست و دو عدد کم دارد، لذا مسلمانان حرف اضافه ۷ (=ب) در متن تورات را نیز به واژه اضافه می‌کنند و جزوی از آن می‌شمارند تا هر دو در حساب ابجده برابر عدد ۹۲ شوند. مترجم در اینجا به گونه‌ای متناقض این واژه را «بِمِهَد» ترجمه کرده است؛ یعنی از سویی، برای مطابقت حروف ابجد، حرف «ب» را جزء کلمه حساب کرده و از سوی دیگر چون در ترجمه به حرف اضافه نیاز داشته آن را جدا کرده است.

موارد متعددی، به تناسب بحث، از اشعار سعدی و دیگران استفاده برده است (همان: گ ۱۷۴ پ). مترجم خود نیز دستی در سروden شعر داشته است (نک: سراسر دیباچه). در تفسیر پیدایش (۳: ۲۲-۲۴) که راجع به خروج آدم و حوا از باغ عدن است، از شعر ترکی در کنار آیات قرآن چنین استفاده کرده است:

**الحاصل والبيان:** چون حضرت آدم از چگونگی حال و گزارش احوال و عواقب او و مآل از حیات و ممات و تعلق زندگی و مردن بچه علاقه گرفته است، مطلع شده آگاه گردید، فلذلک حضرت خالق عالم فرمود که الحال حضرت آدم صاحب فهم و ادراک شده که درک خوب و بد کرده، بینهما امتیاز می‌دهد و همچنین که مذکور شد چون حضرت آدم هم به درخت زندگی که در بهشت بود مطلع شده فهمید که هر که از آن درخت شمه [کذا، در همینجا و بعداً به متن اضافه شده است] بخورد دیگر نمی‌میرد، جناب ایزد خیر بعد از خوردن ایشان از درخت گندم، اراده‌اش متعلق نشده که از آن درخت حیات خورده ابدالآباد زنده بماند، پس ایشان را به فحوای کلام دُر انتقامی «قلنا اهبطوا منها جمیعاً» [بقره/۳۸] از بهشت برین فرستاده به روی زمین به همان جایی که خاک وجودش از آنجا گرفته و برداشته بودند که عبارت از خاک روی زمین باشد. باز با خاک به منظقه آیه «منها خلقناکم» [طه/۵۵] هم‌چنانکه گذشت الفت گرفته تا آنکه به خاک رجوع نماید و بعد از مردن نیز خاک شده و به محشر از خاک بیرون آیند. پس صورتها یعنی جمعی از ملانکه را با شمشیرهای آتشین موکل فرموده فرستاد که در دور آن درخت بوده محافظت را نمایند که مبادا آدم و حوا آمده به پیرامون آن درخت گشته، تا آنکه ملانکه منع نمایند. و ما أحسن هذا الكلام في هذا المقال عن لسان آدم عليه السلام، شعر:

آدمیادم بهشت ابدی وطنم  
بنکا کندمدن اولدی کندمدن<sup>۱</sup>  
(ش: ۵۰: گ ۷ پ، ۸ ر)

در تفسیر پیدایش (۱۱-۱: ۳۷) که شرح رؤیای یوسف است (سجدۀ یازده ستاره و آفتاب و ماه بر او) با تفصیل بیشتر از آیات قرآن، شعر فارسی و حدیث استفاده می‌کند: باز اوان آن شد که مجلس مهجوران بارگاه ملایک اشتباه، دوازده امام و اثنی عشر نقیبا در

۱. مصرع اول در گویش آذری و عثمانی یکسان است، اما مصرع دوم خاص گویش عثمانی است. ترجمه فارسی آن چنین است: «آدم بودم و بهشت ابدی وطنم / هر چه بر سرم آمد از دست خودم بود [= خودم کردم که لعنت بر خودم باد]».

محفل زندانیان زندان خانه دنیا که «الدّيّا سجن المؤمن» و عاشقان فیض وصول جنان...

به رشتہ تحریر کشیده عرض حال عاشقان شب زندگان می گردد چرا که:

شب فراق که داند که تا سحر چند است      مگر کسی که به زندان عشق در بند است

[سعدي]

پس از ناظر حقیقت بین «أنظر ماذا ترى» [صافات/۱۰/۲] که اینک «نَحْنُ نَقْصَنُ عَلَيْكَ

أَحْسَنَ الْقَاصِصَ» [یوسف/۳/۲] قصّه عجیبی...» (همان: گ/۱۷۴ پ).

۲.۵. توجه به مباحث لغوی: در تورات عبری، هنگام نقل اسامی افراد، در موارد بسیاری معنای آن نیز بیان می شود و اساساً در عهد عتیق تعیین نام فرزند نیز بخشی از بشارت ولادت است (مثلاً نک: پیدایش، ۱۶:۱۱) و این موضوع از ویژگی های منحصر به فرد این متن مقدس می باشد. در موارد متعددی، ریشه شناسی و معناشناسی برخی از اسامی و واژه ها نیز مورد اهتمام مترجم مصابح الظلمات بوده و آن ها را شرح و بسط داده است؛ برای نمونه در معناشناسی اسم «شیث» آورده است: «شیث به زبان سریانی فرزند ششمی را گویند و هی به را نیز گویند» (گلپایگانی: گ/۱۲ پ). مقایسه شود با: «وَوَيْ رَا شِيث نَامَ نَهَادَ، چرا که گفت: خدا مرا نسل دیگری به جای هابیل عطا کرد» (پیدایش، ۴: ۲۵). (نیز نک: معناشناسی «بئر شیع»، ش ۵۰: ۸۲ ر؛ معناشناسی اسم «یعقوب» در عبری، ش ۵۰: ۱۰۷ پ؛ معناشناسی واژه های عبری (ش ۵۰: گ/۱۳۹ ر).

۲.۶. بررسی بشارت عهد عتیق به چهارده مقصوم<sup>(ع)</sup>: بشارت های انبیاء گذشته به ظهور پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> از مباحث کهن مطرح شده در کتب کلام اسلامی است که ریشه قرآنی نیز دارد (نک: بقره/۱۴۶، آل عمران/۸۱؛ اعراف/۱۵۷؛ انعام/۲۰ و ۱۱۴؛ صفات/۶۱). متکلمان مسلمان اسلامی، اعم از شیعه و سنتی، از دیرباز تا امروز، کوشیده اند شواهدی از کتاب مقدس در اشاره به ظهور پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> بیابند. از آنجایی که نویسنده مصابح الظلمات این موضوع را مفصل در دیباچه مطرح کرده، به طوری که تقریباً نیمی از مقدمه را شامل می شود (گلپایگانی: گ/۳۱ پ-۵۴ پ) در متن تفسیر هر جا که به آیات بشارت می رسد به دیباچه ارجاع می دهد (همان: گ/۶۰ ب). برای مثال نمونه ای از تحلیل های وی در باب این موضوع در دیباچه چنین است:

در تورات، حضرت موسی به بنی اسرائیل می‌گوید: «یهُوه، خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من، برای تو مبعوث خواهد گردانید. او را بشنوید... و خداوند به من گفت: ... نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را در دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد» (پیدایش ۱۸: ۱۹-۱۸).

استدلال مؤلف به اختصار چنین است که این فقره متضمن بشارت برآمدن پیامبری است که ویژگی‌هایی مذکور برای او، از جمله همانندی او با موسی<sup>(۴)</sup>، و این‌که از میان برادران بنی اسرائیل خواهد بود، بر نبی‌ای جز پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> مطابقت ندارد. اساساً هیچ پیامبری جز پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> ادعای شریعت نو نداشته است. به تصریح انجیل (مثالاً متی، ۵: ۱۷-۱۹) عیسی<sup>(ع)</sup> همان شریعت پیشین را اجرا می‌کرده و مأمور تکمیل آن بوده است. بنابراین فقره مذکور بشارتی به آین پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> است. اگر یهودیان بگویند منظور از «برادران شما» در آیه فوق خود بنی اسرائیل است، و نه بنی اسماعیل، و از این رو مصدق این عبارات انبیاء متاخر بنی اسرائیل هستند، می‌توان چنین پاسخ داد که در سفر اعداد (۲۰: ۱۴) موسی<sup>(ع)</sup> طایفه «أَدْوَم» را برادر اسرائیل خوانده و از همین روی، اسماعیل برای آن تعبیر سزاوارتر است (نک: گلپایگانی: گ ۳۲ پ-۳۴ ر).

### ۳. از ردیه‌نویسی تا تفسیر تورات

ایران در اوایل قرن نوزدهم میلادی شاهد شکل‌گیری موج جدیدی از فعالیت‌های تبشیری مسیحیان بود. بر اساس دیباچه میرزا ابوالقاسم فراهانی (د. ۱۲۵۱ق) بر مفتاح النبوة، می‌توان گفت که طلایه‌دار این جریان نو هنری مارتین<sup>۱</sup> بوده که به سال ۱۲۲۶/۱۸۱۱م به طور رسمی فعالیت‌های خود را در شیراز شروع کرد (همدانی، ۱۲۴۰: ۳). در آن زمان بسیاری از عالمان مسلمان در مقام پاسخ برآمدند و در میان حجم انبوه ردیه‌های نوشته‌شده آثار قوی و شاخص انگشت‌شمارند. بسیاری از آن‌ها فاقد هر گونه نوآوری و صرف‌رونوشت

1. Henry Martin (1781-1812)

از آثار دیگران هستند (نک: عیوضی، ۱۳۹۵ ب: ۲۱۷-۲۲۶) و برخی آن قدر ضعیف بودند که حتی خشم نایب‌السلطنه عباس‌میرزا را نیز برانگیختند (نک: الگار، ۱۳۶۹: ۱۶۹). هم‌مان با این موج ردیه‌نویسی، شاهد شکل گیری گرایش تفسیرنویسی بر تورات نیز هستیم که البته متأثر از تغییر رویکردهای حاکمان منطقه بوده است. این موضوع از دستاوردهای اصلاحاتی بود که عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و میرزا عیسی قائم مقام در آذربایجان به مرکزیت تبریز طایه‌دار آن بودند. بر اساس دیباچه این مجموعه و نیز مقدمه انجیل سلماسی، که از پی‌گیری‌های مجده‌نایب‌السلطنه و قائم مقام حکایت دارد، در پیرامون نایب‌السلطنه، حلقة مطالعات ادیان ابراهیمی شکل گرفته بود که رویکرد اصلی آن‌ها شناخت کتاب مقدس بوده است. حتی محمد رضا همدانی معروف به کوثر علیشاه (د. ۱۲۴۷ق) نیز جزء همین حلقة ادیانی بود و مفتاح النبوة را در همان تبریز نوشت. به این ترتیب، شکل گیری این نگاه جدید را باید زاییده یک تحول سیاسی دانست. در اینجا به سه مورد از اقدامات تجددد طلبانه حاکمان منطقه اشاره می‌شود:

۱. دعوت از اروپائیان برای هجرت به آذربایجان: جلب مهاجران اروپایی به ایران در ۱۲۳۸ق/ ۱۸۲۳م از ابتکارات عباس‌میرزا و از نخستین گام‌های تجدددخواهی به شمار می‌رود. با توجه به فضای سنتی حاکم بر جامعه آن روزگار، این سیاست از نقاط عطفی است که نمونه آن را به ندرت می‌توان در تاریخ ایران دید. منابع تاریخی فارسی این واقعه مهم را ضبط نکرده‌اند و تنها اثر بر جای مانده، ترجمه سه مقاله‌ای است که در روزنامه‌های لندن آن روزگار چاپ شده و چون مترجم منبع این مقالات را در مطبوعات بریتانیا ذکر نکرده، یافتن متن انگلیسی آن‌ها دشوار است. بر اساس این مقالات، عباس‌میرزا، به نماینده‌اش میرزا صالح در لندن مأموریت داد تا این اطلاعیه را در یکی از روزنامه‌های آن‌جا منتشر کند که در بخشی از آن چنین آمده است:

... چون در این اوان بسیاری از فرنگ به خواهش خودشان متفرق به سایر ممالک شده‌اند، از قبیل امریقا [املای قدیم نام آمریکا] و نیوهالند [New Holland]، نام استرالیا در آن زمان] و گرجستان و داغستان، لهذا نواب معظم له به توسط کارگزار مسطور که در شهر لندن است به مجموع اهل انگلستان و سایر فرنگ اظهار و اقرار می‌نماید که

هر کس به خواهش خود از اهل فرنگ اراده نماید در آذربایجان که تبریز پایتخت آنجاست ساکن شود... زمین و مکان که برای سکنی و زراعت ایشان کفایت نماید، مرحمت خواهیم فرمود. مکان مزبور بسیار پر محصول و غله خیز است اقسام میوه و حبوب در آنجا به هوا آفتاب به عمل می آید. ... مالیات و تحصیلات دیوانی از ایشان مطالبه نخواهد شد. جان و مال ایشان در حفظ و حمایت نواب ولیعهد ایران خواهد گشت ... هر کدام از ایشان به هر وضع که خواهش نمایند خدا را عبادت کنند و کلیسا و معبد برای خودشان بنا گذارند و هیچ کی از اهل ایران دخل و تصرف در دین و مذهب نوع عبادت ایشان نکند... (تفیی، ۱۳۶۶: ۲۲۲-۲۲۳).

**۳. ۲. حمایت از اقلیت‌های مذهبی در آذربایجان:** ربی داود دُبیت هیلل<sup>۱</sup> در سفرنامه خود به آذربایجان واقعه‌ای را گزارش کرده که نشان از اهتمام عباس میرزا در حمایت از اقلیت‌های مذهبی این منطقه دارد. بر اساس این روایت، به سال ۱۸۲۱، کودک مسلمانی در ارومیه گم می‌شود. اهالی منطقه به یهودیان سوء ظن پیدا می‌کنند. با فشار بر حاکم ارومیه مردان یهودی بازداشت می‌شوند. یهودیان تبریز به عباس میرزا متول می‌شوند و او رسیدگی به این موضوع را به یکی از مجتهدان واگذار می‌کند. آن مجتهد، که نامی از او برده نشده، چنین فتوا می‌دهد: «اگر دو تن شهادت دهنده که کشته شدن طفل را به چشم دیده‌اند، قاتلان مجازات شوند و اگر شاهدی یافت نشد، مجوزی برای اقدام علیه هیچ یک از یهودیان وجود ندارد». عباس میرزا مأموری را به سوی ارومیه گسیل می‌کند تا این حکم را به حاکم آن جا برساند و در صورت متنفی بودن شاهد، از یهودیان دلجویی نماید (لوی، ۱۳۳۹: ۵۵۳-۵۵۴).

**۳. ۳. طرح مدرسه مشترک برای پیروان ادیان ابراهیمی:** نایب‌السلطنه در گفت‌وگو با یوزف ولف<sup>۲</sup> با جدیت حمایت خود را از طرح احداث مدرسه‌ای مشترک، نه تنها برای همه فرقه‌های اسلامی، بلکه ارامنه و یهودیان نیز، اعلام کرد. وی معتقد بود با این کار دیگر نیازی به اعزام محصلین به اروپا نخواهد بود و از صرف هزینه‌های اضافی جلوگیری می‌شود (Wolff, 1829: 3/128). به این ترتیب، پشتیبانی و حمایت نایب‌السلطنه محدود به یهودیان

1. Rabbi David D'Beth Hillel

2. Joseph Wolff

نبود، بلکه مسیحیان آن منطقه را نیز شامل می‌شد. منابع تاریخی از حمایت وی از هیئت‌های تبلیغی، که در میان نسطوریان فعالیت داشتند، حکایت دارند. البته این تحلیل نیز وجود دارد که احتمالاً انگیزه‌هایی مانند کاهش جاذبه حکومت روس در پشت این نوع سیاست‌ها بوده است (نک: الگار، ۱۳۶۹: ۱۳۶۹). شکی نیست که تجدخواهی نایب‌السلطنه و میرزا عیسی ابعاد گسترده‌ای داشته و مسائلی مانند انتقال صنعت چاپ به آذربایجان و اعزام نخستین دانشجویان به انگلستان، از دیگر موضوعاتی است که بررسی آن‌ها در منابع متعدد ما را از طرح دوباره آن‌ها بی‌نیاز می‌کند (مثالاً نک: سِگلووا، ۱۳۸۹: ۸۴؛ قائم مقام، ۱۳۶۹: ۳۳-۳۴).

حال می‌توان نگارش مصباح الظلمات فی تفسیر التورات (۱۲۲۶ق/ ۱۸۱۱م) را یکی از دستاوردهای گرایش کلی نایب‌السلطنه و میرزا عیسی قائم مقام به دنیا فرنگ دانست. در کنار اقدامات فراوانی که در راستای تجدد طلبی انجام می‌گرفت، از آموزش و پرورش و صنعت چاپ تا تربیت قشون، کوشش شده تا زمینه برای مواجهه علمی جامعه با فعالیت‌های تبشيری مسیحیان در ایران میسر شود و هنگامی که بسیاری سرگرم نگارش ردیه و آثار جدلی بودند، زین‌العابدین بن محمد مأموریت یافته تا ترجمه - تفسیری بر تورات بنویسد و منبعی برای ارجاعات نویسنده‌گان مسلمان به تورات فراهم آورد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که عباس‌میرزا نایب‌السلطنه و میرزا عیسی قائم مقام در کنار اهداف مشترک، ارتباط تنگاتنگی نیز باهم داشتند و دشوار است که بتوان سهم هر یک از این دو را در آن اقدامات اصلاح طلبانه تفکیک کرد. بنابراین، در همه فعالیت‌های صورت‌گرفته در مسیر تجدد طلبی، از جمله درخواست نگارش تفسیر تورات، نام این دو سیاست‌مدار در کنار هم دیده می‌شود.

نگارش تفسیر سترگی چون مصباح الظلمات زاییده تحولات اجتماعی و دوراندیشی حاکمان وقت تبریز بوده است، اما این سؤال مهم همچنان فرا روی ماست که چرا چنین ابتکاری به فراموشی سپرده شد و هیچ اهتمامی در حفظ آن انجام نگرفت؟ البته عوامل سیاسی - اجتماعی و دینی متعددی در این موضوع دخیل بوده‌اند و همین قدر می‌توان گفت که

طبقه نواندیشی که حامیان نگارش این اثر و امثال آن بودند در اقلیت قرار داشتند، و مخالفان ایشان - چه در تبریز و چه در تهران - از هیچ اقدامی در تضعیف ایشان دریغ نمی‌کردند. برای مثال آنان عباس میرزا را لایق ولایت‌عهدی نمی‌دانستند، بلکه او را بیشتر یک فرنگی (غرب‌زده) معرفی می‌کردند (نک: الگار، ۱۳۶۹: ۱۳۶-۱۳۷).

به علاوه، شکست دوم در مقابل روسیه و تن دادن به معاهده ترکمان‌چای (۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م) موجب شد عباس میرزا بیشتر بر بازسازی قوای نظامی و آماده‌سازی لشکری برای جنگ دوباره تمرکز کند و از آن‌جایی که کشور هر روز آبستن حادثه تلخ دیگری بود، او هیچ‌گاه این توفیق را نیافت که به اصلاحات اجتماعی و فرهنگی پردازد. به همین جهت، با درگذشت میرزا عیسی قائم مقام مهم‌ترین حامی او در انجام اصلاحات از یک سو، و رفتتن به نبرد هرات به دستور فتحعلی‌شاه (د. ۱۲۵۰ق/۱۸۳۴م) از سوی دیگر، حلقه مطالعات ادیانی و بین‌الادیانی که در آذربایجان شکل گرفته بود نیز از هم گستشت. سرانجام صداحایی که می‌توانست رویکرد نوین و پیشرفته‌ای در مطالعات تطبیقی ادیان شکل دهد، در گلو خفه شد و از جریان‌سازی بازماند.

### نتیجه‌گیری

از جمله خلاصهای بزرگ در میراث ادیانی ما عدم مراجعته به زبان اصلی متون مقدس و تفاسیر آن‌هاست. لذا همه آنچه قبل و بعد از زین العابدین بن محمد ذیل عنوان تفسیر تورات/اناجیل در جهان اسلام نوشته شده، چیزی بیش از ردیه‌هایی بر آینین یهود یا مسیحیت نبوده‌اند؛ از جمله رساله نجم‌الدین طوفی (د. ۷۱۶ق) با عنوان تعلیقات علی آناجیل الأربعه و نیز تفسیر ناقص سیداحمدخان (۱۸۹۸-۱۸۱۷م) بر سفر پیدایش و آناجیل متى در انتهای قرن نوزدهم، که هر دو به لحاظ روش و هدف، به کلی با مصباح‌الظلمات متفاوت است.

زین‌العبدین بن محمد در دیباچه به صراحت متذکر می‌شود که زبان تورات نیز مانند قرآن متضمن استعاره و مجاز است؛ بنابراین، نمی‌توان به صرف وجود عباراتی مشعر به جسمانیت خدا نتیجه گرفت که یهودیان چنین و چنان باورهایی دارند، بلکه در این موارد باید به تأویل‌های موجود در تفاسیر یهودی (مانند تفسیر رَشی، نک: گلپایگانی: گ ۲۷ پ)

مراجعه کرد. این رویکرد نوین در مواجهه با کتاب مقدس می‌توانست شروع یک دوره جدید در مواجهه عالمان مسلمان با کتاب مقدس باشد که در نیمة اول قرن نوزدهم در حاشیه و بلکه در سایه ادبیات رده‌نویسی شکل گرفته بود. اما این نهال به بار نشست و ابتکار عمل وی خیلی زود فراموش شد.

گرچه مفسر مصابح الظلمات، نه در مقدمه و نه در سراسر تفسیر، به روشنی و صراحة از مبانی نظری، روش‌ها و ابزارهای خود در تفسیر اسفار خمسه سخنی به میان نیاورده است، اما با توجه به ساختار و محتوای اثر، و تنوع مباحث و گوناگونی منابع، می‌توان پاسخ زین‌العابدین بن محمد به بسیاری از سؤال‌های مذکور را دریافت. برای مثال، اندروریپین<sup>۱</sup>، اسلام‌شناس معاصر، می‌کوشد تا از لابلای متون اسلامی فکرِ امکان تفسیر کتاب مقدس با استفاده از قرآن را ترسیم کند (ریپین، ۱۳۹۳: ۳۶۸-۳۸۳)، اما زین‌العابدین بن محمد، در زمانه خودش، این روش را در سراسر تفسیر خود، مصابح الظلمات في تفسير التورات، به کار برده است.

#### منابع

- آقابزرگ تهرانی (۲۰۰۹). طبقات أعلام الشيعة (الكرام البرة في القرن الثالث بعد العشرة). بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- الأمین، محسن (۱۹۸۳). أعيان الشيعة. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- الگار، حامد (۱۳۶۹). دین و دولت در ایران. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توسع.
- حبیب‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۳). مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار. اصفهان: کمال.
- حرزالدین، محمد (۱۴۰۵). معارف الرجال في تراجمـ العلمـاء والأـباء. تعلیقـة محمد حسـین حرزالدین. قم: مكتبة آیت الله العظمـى المرعـشـي النجـفـي.
- ریپین، اندره (۱۳۹۳). «تفسیر کتاب مقدس با استفاده از قرآن»، ترجمه وحید صفری. در: رهیافت‌هایی به قرآن. ج ۱. ویراسته جرالد هاوینگ و عبدالقدار شریف. به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی. تهران، حکمت: ۳۶۷-۳۸۳.

- زینالعابدین بن میرزا محمد (١٢٢٦ق). *مصباح الظلمات في تفسير التورات*, نسخة خطى شماره ١٣٧٠٢٠ کتابخانه آیت الله گلپایگانی.
- ——— ترجمه تورات. نسخه های خطى شماره ٥٠، ٥١ و ٥٢ کتابخانه آستان قدس رضوی.
- سبحانی، جعفر (١٤٢٤ق). *موسوعة طبقات الفقهاء*. قم: مؤسسه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
- سلاماسی، محمدباقر. *ترجمة انجيل*. نسخه ش ١٣٢٧٦. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. کتابت: خوی ١٢٢٦ق.
- سیار، پیروز. مقدمه: ← عهد عتیق.
- شکللو، آلیمپیادا پاولونا (١٣٨٩). *تاریخ چاپ سنگی در ایران*. ترجمه شهرورز مهاجر. کتاب ماه کلیات، س ١٤، ش ٣ (پیاپی: ١٥٩): ٩١-٨٤.
- صداری خویی، علی و ابوالفضل حافظیان (١٣٨٨). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی گلپایگانی* قم. تهران: مجلس شورای اسلامی و مؤسسه فرهنگی الججاد<sup>(ع)</sup>.
- علوی، عادل (١٤١٩ق). *النفحات القدسية في ترجم اعلام الكاظمية*. قم: مؤسسه الاسلامى العامة للتبلیغ والإرشاد.
- عهد عتیق (١٣٩٥). *ترجمه پیروز سیار*. تهران: هرمس.
- عیوضی، حیدر (١٣٩٥الف). «*نخسین تلاش های شیعی در تفسیر تورات عبری*». آینه پژوهش، ش ١٦٢: ٤٦-٥٨.
- ——— (١٣٩٥ب). «*مقایسه ینبایع الإسلام کشیش تیسدال و برخی ردیههای آن*». فصلنامه نقد کتاب میراث، سال سوم، دوشماره ٩-١٠، بهار و تابستان: ٢١٧-٢٢٦.
- محدث نوری، میرازحسین (٢٠٠٧م). *دار السلام في ما يتعلّق بالرؤيا والمنام*. بیروت: دار البلاغة.
- ——— (١٤١٥ق). *التجم الثاقب*. تحقيق السيد یاسین الموسوى. قم: انوار الهدى.
- تقیسی، سعید (١٣٦٦). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. تهران: بنیاد.
- همدانی، محمدرضا (١٢٤٠ق). *مفتاح النبوة*. (چاپ سنگی). تهران: دار الطباعة سلطنتی.
- Gesenius, Friedrich Wilhelm (1979). *Hebrew and Chaldee lexicon to the Old Testament Scriptures*. Michigan: Baker Book House.
- Wolff, Joseph (1829). *Missionary Journal*. London: James Duncan.